

مهدی خسروی کردستانی



قرارداد رویترا

«مقدمه»

دراواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بواسطه شدت فساد دستگاه
اداری مملکت و وجود هیأت حاکمه بی اطلاع و نالایق که منابع ثروت کشور
بما را بمرض حراج گذارده بودند و امتیاز پشت سر امتیاز بروس و انگلیس و
دیگران میدادند رقابت دو دولت نامبرده نیز بمنتهی درجه رسیده بود و بقول
لرد کرزن صحنه ایران مانند صفحه شطرنجی شده بود که حرکت یکطرف با
حرکت واقدام طرف دیگر مواجه می گشت و این دورقیب استعماری میکوشیدند
تا یکدیگر رامات سازند و حریف را از میدان بدرکنند. در اواخر این قرن که
روسها و انگلیسها بجای آنکه عملیات یکدیگر را خنثی کنند به جبران امتیازی
که برقیب داده میشد تقاضای اعطای امتیاز دیگری برای خودشان مینمودند
امتیازی روسها می گرفتند عین همان را چندی بعد انگلیسها تقاضا میکردند و
یا بالمکس در جنوب امتیازی به انگلیسها داده میشد روسها مانند آنرا در شمال
میخواستند. نوکران جبیره خوار ایرانی نمای آنها هم در نزد شاه مسابقه وطن

فروشی و حراج مملکت را گدازه و با گرفتن مزد خود در محو استقلال کشور میکوشیدند در تحصیل امتیازات تا اوایل سال ۱۸۹۲ که امتیازنامه انحصارات دخانیات (رژی) بواسطه شورش مردم ایران لغو میگردد باصلاح ابتکار عمل در دست انگلیسها بود ولی در این موقع که سیاست انگلستان در ایران شکست سختی میخورد، امین السلطان وزیر اعظم دولت ایران به سفارت روسیه میروید و بقول اعتماد السلطنه با «دیوتزوف» وزیر مختار روس عهد و پیمان می بندد و چنین میگوید: «سیدی و مولای دولت روس از من چه میخواهد؟ اگر به انگلیسها چندی راه مودت پیمودم خبط کردم خطانمودم عفو کنید بعد از خواهی آمده ام حالا راهی که با انگلیسها میروم ظاهر سازی است بعدها منقاد شما خواهم بود امتحان کنید، تاجر به نمائید، به بینید آنچه میگویم قول است یا فعل، گفتار است یا کردار امین السلطان همانطور که گفته بود بعد از این جریان به سیاست روسها متمایل میشود هر چه میخواستند بی مضایقه در اختیارشان میگذارد و تا پایان عمر از این رویه دست برنمیدارد.

در مواقعی که ناصرالدین شاه هوس دیدن فرنگستان را میکرد و بفروش منابع مختلف کشور بنام امتیاز با ثمن بخش دست میزد وضع کشور مادر آن زمان و رقابتهای خانان سوزدولتهای روسیه تزاری و انگلیس در بدست آوردن امتیازات در ایران که سرانجام منجر به قرارداد تقسیم مملکت ما، در ۱۹۰۷ میشود داستانهای جانخراشی دارد. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه روسها و انگلیسها برای بسط نفوذ خود در ایران شدیداً مشغول مبارزه بودند و از هیچ نوع اعمال تخریبی و خلاف انسانی هم خود داری نداشتند و گاهی با تهدید و زمانی با دادن رشوه رجال و درباریان را میخریدند و آنها را به خیانت به وطن خود و آزار میکردند.

شاید ناصرالدین شاه واقعاً میخواست ایران را به شاهراه تمدن سوق دهد و میکوشید تا وسایل آبادانی کشور را فراهم سازد، ولی گذشته از موانع داخلی مثل نداشتن رجال کار آزموده و وطن پرست و روبرو شدن با مخالفت روحانیون متعصب از لحاظ خارجی رقابت دو حریف نیرومند علت اصلی و سبب عمده خرابی

مملکت و عقب ماندگی ایران بود چنانکه در هنگام صدور فرمان اجازه کشتی رانی بر روی رود کارون و مخالفت روسها باین فرمان در نامه ای که ناصرالدین شاه به عنوان ملکم وزیر مختار ایران در لندن مینویسد سیاست روس وانگلیس نسبت به ایران و در نتیجه گرفتاریهای خویش را این چنین بیان میکند:

«روز بروز جمیع ممالک روی زمین در ترقی است ما چرا اسباب ترقی و آبادی مملکت خودمان را فراهم نیاوریم چرا باید راه نساژیم و کارخانجات احداث ننمائیم که از هر چیز محتاج به ممالک خارجه باشیم اگر تا حالا اقدام بساختن بعضی راهها کرده بودیم دو سال یکمرتبه غلا و قحطی بعضی از شهرهای ایران خاصه تهران را مستأصل و مردم آنرا پریشان نمیکرد.

جمیع دول روی زمین یا سلطنت مستبده هستند یا سلطنت مشروطه یا جمهوری، در میان دول روی زمین پاره ای دولتها بهم میرسد که خیلی کوچک میباشد هم در مملکت ولایت و خاک و زمین و در امور داخله خودشان مستقل و مختارند که هر قراری در داخله خودشان میل دارند و صرفه و صلاح خود را در آن می بینند میدهند دولت ایران که از همه قدیمی تر و همیشه سمت استقلال را داشته دارد چرا باید باندازه يك دولت پست كوچك هم استقلال در داخله خود نداشته باشد هر قراری که مقرون ب صرفه و صلاح و آبادی مملکت خود می بینند دهد؛ وضع دولت ایران طوری شده است که هیچ دولتی باین حالت نیست. دولت ایران میان رقابت دولتین انگلیس و روس گیر کرده است هر کاری مبنی بر صرفه و صلاح و آبادی مملکت خودمان در جنوب ایران بخواهیم از ساختن راه و غیره بکنیم دولت روس مبگوید برای منافع انگلیس میکنید چنانچه در مسئله رود کارون همین طور میگویند راه هم میخواهیم بسازیم همین طور میگویند در شمال و مغرب و مشرق ایران اگر بخواهیم چنین کارها بکنیم انگلیسها میگویند بملاحظه منافع روس اقدام باین کارها کرده و میکنید چنانکه در ساختن راه قوچان و راه آهن که حاجی امین الضرب در کار ساختن در محمود آباد در کنار بحر خزر است مکرر همین اظهارات را کرده اند تکلیف ما مشکل شده است و روز بروز مشکلتر خواهد شد پس یکمرتبه روس وانگلیس بیایند و بگویند دولت ایران دولت مستقل نیست

هر چه ما می‌گوئیم باید آنطور بکنید. آیا در میان دول روی زمین از بزرگ و کوچک حتی بلغاری که تازه سری میان سرهای بیرون آورده و صرب و یونان یک دولت هست که زیر بار این حرفها برود؟

دولت خودمان را می‌خواهیم آباد کنیم کارخانه بسازیم و قرارداهای بصره و صلاح دولت و ملت خودمان بدهیم دولتین انگلیس و روس چه حتی دارند بکارهای داخله ما که این حرفها را بمیان بیاورند!

هر پادشاهی مسئول است که پی‌منافع دولت و تربیت ملت و آبادی ولایت خودش برود، اگر نکند خلاف مسئولیت کرده و به تکلیف پادشاهی خود رفتار نکرده است بنابراین مسئله را مکرر می‌کنیم رقابت روس و انگلیس طوری شده است که مثلاً اگر سمت شمال و شرق و غرب مملکت خودمان بخواهیم بگردش شکار برویم با دولت انگلیس مشورت بکنیم چون سمت سرحدات روس است شاید او خیالی بکند و بر نهد و همچنین سمت جنوب اگر میل بکنیم. شما تصور نکنید که هیچ دولتی در روی زمین از بزرگ و کوچک این حالت حالیه ما را دارد آیا ما یک دولت مستقله نیستیم که اختیار محوطه مملکت خودمان را داشته باشیم و به آزادی بتوانیم حرکت و مصالح دولت خود را به نظر بیاوریم.

بآنکه ناصرالدین شاه در دوره سلطنت خود خبطهای سیاسی و اشتباهات جبران ناپذیری کرده است و مأمورین دسیسه باز و کار آگاه و حریف نیرومند مکرر او را فریفته اند معدالک اگر بخواهیم بایی نظری قضاوت کنیم که او از تمام پادشاهان سلسله قاجاریه با اطلاع تر و سیاست دنیا آشناتر بوده است و حتی در بسیاری از موارد نقش خود را بخوبی ایفا کرده و توانسته است کشور ایران را از خطرات ناشی از رقابتهای دو همسایه زورمند که مبارزات آنها در زمان او بمنتهای شدت خود رسیده بود، برکنار دارد.

فصل اول - امتیاز رویتر

مبحث - اول

علل سیاسی امتیاز بارون جولوس رویتر

امتیاز بارون جولوس رویتر که ایران را بصورت مستمره انگلستان درمیآورد یکی از بزرگترین اشتباهات ناصرالدین شاه و میرزا حسین خان سپهسالار است لرد کرزن در کتاب خود مینویسد :

«کاملترین و عجیبترین امتیازی که درطول تاریخ کمتر دیده شده و بموجب آن تمام منابع صنعتی کشوری بیک خارجی تسلیم و تفویض گشته این امتیاز بوده است»

نویسنده دیگر انگلیسی بنام گراهام استوری در کتاب «رویتر در یک قرن» نوشته: «بموجب امتیاز به رویتر اجازه داده شد که تمام منابع اقتصادی ایران و اکثر افراد آن در مدت هفتادسال حکومت واقعی کند و همچنین این امتیاز بود که دروازه‌های کشور ایران را بروی دنیای غرب گشود»

هرچند امتیازنامه رویتر بطوری که گفته خواهد شد بمرحله اجرا در نیامد ولی چون موجب دادن امتیازات دیگر بانگلیسها و روسها و موجب مفساد زیادی برای ایران گردیده که هنوزهم اثرات آن زائل نگشته است قابل اهمیت و توجه مخصوصی است زیرا چنانکه خواهیم دید اعطای امتیاز بانگ شاهنشاهی به رویتر بعنوان جبران خسارت این امتیازنامه بود و اعطای امتیاز بانگ استقراضی روس در مقابل بانگ شاهنشاهی و برای ایجاد تعادل و توازن بین دو سیاست استعماری روسیه تزاری و انگلیس بود و همچنین اغلب امتیازات دیگر که بخارجیها داده شد از همین جا سرچشمه میگردد .

احداث راه آهن در ایران همیشه مورد علاقه ناصرالدین شاه بوده است از سال ۱۸۶۵ تا سال ۱۸۷۱ عده‌ای از متخصصین اروپائی به کرات درخواست

گرفتن امتیاز راه آهن رادر ایران نموده اند از آن جمله فرانسویها ، آلمانیها اطریشها و انگلیسها هر يك بنوبه خود مایل بودند امتیاز احداث راه آهن را در ایران برای خود کسب کنند . در سال ۱۸۷۲ دولت انگلیس تصمیم گرفت که با احداث راه آهن مدیترانه را به هندوستان متصل سازد برای انجام این امر کمیسیونی در پارلمان انگلیس مأمور مطالعه شد که در نتیجه به امتیاز بارون جولوس خاتمه داد موضوع این امتیاز که در سال ۱۸۷۳ میلادی به انگلیسها داده شد تنها راه آهن سرتاسری ایران نبود بلکه همانطور که گذشت تمام منابع ثروت مملکت ایران به انگلیسها واگذار میشد حالا باید دید چگونه چنین امتیازی به يك خارجی واگذار میشود و انگیزه اعطای این امتیاز چه بوده است و چه کسی موجب انعقاد این امتیاز نامه شد ؟

سرهنری راولینسون در شرح حال میرزا حسین خان سپهسالار مینویسد :
 «دو ماده مهم اساسی در پروگرام میرزا حسین خان سپهسالار بود یکی دادن امتیاز بهره برداری از تمام ثروت سرتاسری ایران، دیگر بردن ناصرالدین شاه به اروپا ، دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار از ادواری است که نفوذ دولت انگلیس در ایران به منتهی درجه خود رسیده است، انگلیس دوستی ایران در این دوره، نقل مجالس تمام سیاسیون جهان بود، خود رجال درجه اول انگلستان مانند سرهنری راولینسون و لرد کرزن در باره انگلیس دوستی ایران در این دوره سخنها گفته اند .

تا امروز کسی نتوانسته است بداند که چرا میرزا حسین خان سپهسالار تا این درجه در مقابل انگلیس سر تسلیم فرود آورده است و بآن دولت بی حد و حساب اعتماد داشته است؟

دلیل این همه بخشش چه بوده و سپهسالار در مقابل چه انتظاری از انگلیس داشته است ؟ در این مورد اسناد قابل اعتمادی در ایران وجود ندارد ناچار باستاد عمال انگلیس مراجعه میکنیم . از بررسی این اسناد چنین مستفاد میگردد که : به میرزا حسین خان سپهسالار چنین تفهیم کرده بودند که روسها هر روز از روز پیش بایران نزدیکتر میشوند و عنقریب بساط شاهنشاهی ایران برچیده خواهد شد تنها راه نجات پناه بردن بدامن امن انگلیس است

اگر خود را بلا شرط بدامن آن دولت اندازد دولت شاهنشاهی از تجاوزات روس مضمون خواهد ماند .

سرهنری او لینسون در موردا همیت و اعتبار قرار داد رویتر چنین مینویسد:

«این امتیاز مقدرات ایران را با انگلستان توأم نمود و پس از این ایران بادست

انگلیسها بطرف شاهراه ترقی سوق داده خواهد شد .»

تحصیل این امتیاز از دولت ایران قسمتی از یکرشته مانورهای سیاسی و قسمت دیگر این مانور بردن شاه به انگلستان بود . قسمت مکمل این نقشه سیاسی ایجاد دوستی و یگانگی بین شهریار ایران و سلطان عثمانی است که در استاتوتول بمنقل آمد بموازات این مانورهای سیاسی دولت انگلیس محرمانه بروسیه تزاری مشغول مذاکره بود تا بلکه بتواند قرار دادی سیاسی منعقد سازد و طی آن آسیای مرکزی را بین خود تقسیم کنند و همین قدر که حقوق طرفین در ممالک بی صاحب آسیای مرکزی برضایت دولتین معلوم شد پرده از رازهای پنهانی برداشته شد و معلوم گشت که همه اینها نمایشات سیاسی علیه دولت روس بوده است و هدف از این مانورها نزدیکی روس و انگلیس و قبول کردن پیشنهادات دولت انگلیس از طرف روسیه بوده است همین که مقصود انجام گردید تمام آن موضوعات یعنی امتیاز بازون رویتر ، وعده های مساعدت مالی دولت انگلیس و ایجاد دوستی و الفت بین ایران و عثمانی در برابر قرارداد کورچاکف گرانویل بدست فراموشی سپرده شد . انگلستان معتقد بود که گرفتن قول از روسها که بمحدوده افغانستان تجاوز نکنند بمراتب فواید بیشتری از امتیاز رویتر برای انگلیس خواهد داشت بهمین دلیل به دوستی و وفاداری میرزا حسین خان سپهسالار و تسلیم بلا شرط ایران در برابر انگلستان وقتی نهاد .

مبحث دوم

مقدمه انعقاد قرار داد رویتر

سالهای قبل از آنکه امتیاز رویتر واگذار شود مخصوصاً از هنگامیکه درسال

۱۸۶۲ میرزا حسین خان سهسالار با سمت وزیر مختاری به استانبول می‌رود و بکلیک و دستیاری می‌تشار خود میرزا ملکم خان ناظم الدوله گزارشهای متعددی مبنی بر لزوم آوردن کشفیات و اختراعات مردم اروپا و بکار انداختن سرمایه‌های فرنگستان در ایران برای ناصرالدین شاه می‌فرستد زمامداران ایران باین فکر می‌افتند که باید با کلیک اروپائیان از منابع مختلف ثروت مملکت استفاده کرد. بدین لحاظ در سال ۱۸۶۴ بدستور ناصرالدین شاه میرزا محمودخان ناصر-الملك وزیر مختار ایران در لندن و حسنعلی خان وزیر مختار مقیم پاریس در این باب با کمپانیهای مختلف اروپائی وارد مذاکره میشوند و از طرف آنها پیشنهادهایی برای تأسیس راه آهن، استخراج معادن، ساختن راه شوسه، ایجاد کارخانه و بانک و غیره بدولت تسلیم میگردد. همانطور که گذشت مقارن همین زمان است که دولت انگلستان بخیال ایجاد راه آهن بین دریای مدیترانه و هندوستان می‌افتد باین ترتیب قسمتی از این راه آهن ناگزیر از ایران میگذرد لذا از طرف کمپانیهای انگلیسی مخصوصاً برای تأسیس راه آهن در ایران علاقه و تمایل زیادی ابراز میشود ولی اگر در این میان پیشنهاد مفیدی هم دیده میشد بواسطه رقابت دولتین روس و انگلیس و نظریه‌های سوء این دو دولت از یکطرف و بی اطلاعی و آزمندی رجال ایرانی و تمصب و کهنه پرستی روحانیون از طرف دیگر بجائی نمی‌رسید. گراهام استوری در کتاب رویتر در یکقرن مینویسد :

«پنج سال پیش از امتیاز رویتر دکتر استروسنبرگ از اهالی پروس چهارهزار لیره انگلیسی وجه الضمان خود را در راه امتیازی که تاحدی مشابه امتیاز رویتر بود از دست داده است صاحبان امتیاز اطریشی و فرانسیوی نیز ضررهائی مانند آن داده اند همه اینها اظهارات وزیر مختار انگلیس مقیم تهران را تأیید میکنند که گفته بود: «تمام نقشه و پروژه‌های اروپائیان اصولاً تنها وسیله انتفاع و سود جوئی وزیران ایرانی یا عمالی است که آنها دارند» سرهبری راولینسون در کتاب «انگلیس و روسیه در شرق» مینویسد: «وقتی که سیم تلگراف در ایران دایر گردید بعضی نقشه‌های مفید طرح شد که دامنه

عملیات را به نفع ایران وسعت میداد مخصوصاً رشته‌های صنعتی و اقتصادی اروپا که در ایران باید از آنها استفاده شود در این زمینه‌ها طرحهای زیادی برای استفاده از منابع مختلف پیشنهاد شده بود بمضی از آنها از طرف اشخاص ماجراجو و بی اعتبار بود این پیشنهادها بمنظور استفاده‌های شخصی بود که اغلب بایکدیگر مخالف بودند پس از مطالعات دقیق در هر يك از این پیشنهادها صلاح در این دیده شد که امتیاز تمام آنها به يك کمپانی واگذار شود که رئیس آن بارون جولوس رویتر تبعه انگلیس است .

مبحث سوم

نماینده رویتر بایران دعوت میشود

از سال ۱۸۷۱ که میرزا حسین خان سپهسالار به صدرات منصوب شد با کمک میرزا ملکم خان مستشار خود برای انجام نقشه‌های سابق و نظریات قبلی خویش دستور میدهد که مأمورین ایران در کشورهای مختلف اروپا برای جلب سرمایه‌های خارجی به منظور بهره برداری از منابع ایران و تأسیس راه آهن و کارخانجات و غیره اقدامات جدی بعمل آورند میرزا حسین خان که سیاست يك طرفه و انگلیسی مآبانه داشت در این مورد از راه نمائی و نصایح سفارت انگلیس در تهران و وابستگان آنها کاملاً برخوردار بود نقشه‌ای که انگلیسیها در این باره طرح کرده بودند خیلی ماهرانه بموقع اجراء گذارده شد .

ناصرالدین شاه ترقیات و پیشرفتهای مردم ممالک اروپا را زیاد می شنید گزارشهای نمایندگان ایران را راجع به ایجاد راه آهن و استخراج معادن و اختراعات مختلف بسیار خوانده بود خیلی میل داشت بدون آنکه از اقتدار و اختیارات مطلقه اش ذره‌ای کاسته گردد یا پولی از خزانه دولت بمصرف برسد تمام این اختراعات بکشور ایران بیاید مخصوصاً بسیار به راه آهن و یا بقول خود او به کالسکه بخار علاقمند بود گذشته از آنکه نمی خواست چیزی در این راه از خزانه عامره اعلیٰ پرداخته شود میل داشت اگر ممکن باشد پولی هم از این طریق بدست آورد .

مسافرت اروپا و دیدن تمدن غرب برای شاه و درباریان نیز امری حتمی و واجب بود در آن وقت فقط يك اشكال بنظر میرسد و آن مخارج گزافی بود که انجام این امور لازم داشت. پرداخت این مخارج هنگفت در آنوقت بواسطه کثرت مستمری بیکارها و وظیفه دعا گوین و چاکران درباری و تهی بودن خزانه امری ممنوع مینمود در چنین موقعی بارون جولپوس روپنر باشاره دولت انگلستان برای تحصیل امتیاز استخراج معادن و تأسیس راه آهن و ایجاد کارخانه و غیره با حاجی محسن خان معین الملک وزیر مختار ایران در لندن وارد مذاکره میشود روپنر بوزیر مختار ایران میگفت اگر پیشنهادهای او مورد موافقت دولت ایران قرار گرفت سرمایه زیادی قریب به پنجاه کروور در ایران بکار انداخته و در ظرف چند سال در این کشور راه آهن کشیده و راه شوسه خواهد ساخت. معادن استخراج و بانک و کارخانجات متعددی تأسیس کرده و گمرکات نظم و ترتیبی خواهند یافت که نظیر آن فقط در تمدن ترین کشورهای اروپا ممکن است وجود داشته باشد علاوه بر این منابع تازه ای برای عایدات دولت ایران مجاناً ایجاد میگردد که باور نکردنی است مخارج سفر شاه و ملتزمین رکاب هم در مقابل عواید سرشار هر چه باشد از همین محل پرداخت خواهد شد جمالات فریبنده ای که روپنر برای شاه ایران و رجال طماع و بی اطلاع اوضمن پیشنهاد خود می گفت تقریباً بهمین مضامین بود و بالاخره ناصرالدین شاه که در این مورد محرك اصلی او میرزا حسین خان سپهسالار و دلال و واسطه او میرزا ملکم خان ناظم الدوله بود با علاقه زیاد این موضوع را استقبال میکند و دستور می دهد نماینده روپنر را به تهران دعوت نمایند و پیشنهادات او را مورد مطالعه قرار دهند.

گراهام استوری در کتاب مذکور مینویسد:

متجاوز از دو سال قبل از اعطای امتیاز در سال ۱۸۷۰ ژنرال محسن خان وزیر مختار ایران در لندن توجه روپنر را برای بکار انداختن سرمایه غرب در کشور ایران جلب کرد کشوری باستانی که با وجود حکایات عجیب درباره ثروت سرشارش هنوز مراحل اولیه تمدن را میپیمود موقعیت ایران برای تجارت انگلستان زیاد مهم بود و وضع سوق الجیشی ایران از آن نظر که شاهرا هندی محسوب میشد اهمیت فوق العاده ای داشت. بدین جهت روپنر در نهایت اطمینان مصمم باینکار شد و در اواخر بهار سال ۱۸۷۲ نماینده ای بدربار شاه در تهران فرستاد تا امتیازی را که محسن خان با او وعده داده بود بدست آورد ... (ادامه دارد)